

## ویژگی های اخلاقی رسول خدا (ص)

پیامبر مهر و رحمت، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که در قرآن کریم به عنوان الگویی نیکو برای همه معرفی شده اند، زندگی پر نور ایشان سراسر نکته و درس آموزی بوده است که بررسی روایات به جای مانده درباره آن حضرت، مسیر شناخت و شخصیت ایشان را در حد فهم خودمان هموارتر می گرداند. علی رغم وجود هزاران کتاب و مقاله در ذیل شخصیت ایشان، اما باز هم در می یابیم که ناگفته های مهمی در زیر چتر سانسورچیان مخفی و آن چنان که باید رسول خدا را بشناسیم، نشناخته ایم. در این بین معرفی چهره رسول خدا در منابع اهل تسنن به عنوان یک انسان عادی در جامعه همراه با اشتباهات گفتاری و رفتاری، در تنقیص و از چشم افتادن آخرین و برترین پیامبر الهی تأثیر به سزایی داشته و حتی هجمه های بسیاری از مستشرقان همچون: ایگانس گلدزیهر، هنری لامنس، ویلیام مونتگمری وات و... بر خواسته از منابع حدیثی و دست اول سنی بوده و علاوه بر تخریب دین مبین اسلام، شخصیت معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را مورد تهاجم قرار داده اند. آنچه که در این بین مغفول مانده و کمتر بدان توجه شده است، بیان ویژگی های اخلاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله جهت الگو پذیری است. از باب اینکه قرآن کریم پیامبر را الگویی نیکو معرفی کرده است، بر آنیم تا در این نوشته به نحو اختصار به برخی از ویژگی های اخلاقی ایشان اشاره ای داشته باشیم.

### حلم

حلم و بردباری از ویژگی های مهم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. شیکیبایی در برابر نا ملایمات نیز از مباحث مهمی است که در زندگی روزمره ما کار برد داشته و الگو گیری از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله راهگشای زندگی ما خواهد بود. در روایتی پیرامون حلم و صبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، انس بن مالک چنین نقل کرده است:

و روي عن أنس قال: كنت مع النبي صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم و عليه برد غليظ الحاشية ف جذبته فعرابي بردائه جذبة شديدة حتى أثرت حاشية البرد في صفحة عاتقه صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم ثم قال: يا محمد احمل لي على بعيري هذين من مال الله الذي عندك فأنت لا تحمل لي من مالك و لا مال أبيك، فسكت النبي صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم ثم قال: المال مال الله و أنا عبده، ثم قال: و يقاد منك يا أعرابي ما فعلت بي، قال: لا، قال: لم؟ قال: لأنك لا تكافىء بالسيئة الحسنة، فضحك النبي صَلَّى اللهُ عليه و آله و سلم ثم أمر أن يحمل له على بعير شعير و على الآخر تمر.

النمازي الشاهرودي، الشيخ علي (المتوفي ١٤٠٥هـ)، مستدرک سفينة البحار، ج ٢، ص ٦٨٢، تحقيق

وتصحيح: الشيخ حسن بن علي النمازي، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: ١٤١٨هـ.

انس مي گوید: همراه با پیامبر بودم که ایشان لباسی خشن بر تن داشتند، فردي بیابان گرد با شدت لباس ایشان را کشید به طوري که جاي کشیدن شدن لباس، بر روي گردن ایشان نمایان شد، سپس آن فرد به پیامبر عرض کرد: اي محمد، از مالي که از آن خداوند بوده و نزد توست بر دو شتر من سوار کن چرا که تو از مال خودت و پدرت چیزی به من نمي دهی. انس مي گوید: رسول خدا صلي الله عليه و آله ساکت بودند تا اینکه فرمود: مال، مال خدا بوده و من بنده او هستم. پیامبر به آن فرد فرمود: اي بیابان گرد، اگر افسار شترت را بگیرم [که بار آنان را پر کنم] برایم چه مي کنی؟ آن فرد گفت: نه [این کار را نمي کنی] پیامبر فرمود: چرا؟ گفت: چون تو [کار] خوب و بد را یکسان انجام نمي دهی. در این هنگام رسول خدا صلي الله عليه و آله خندید و دستور داد تا بر یک شتر جو بر شتر دیگر، خرما بار کنند.

این اخلاق پیامبر و صبر ایشان، نمونه اي نیکو براي ما مي باشد که در مقابل بدی دیگران عکس العمل تند نشان نداده و آن فرد اعرابي نیز گمان نمي کرد که رسول خدا صلي الله عليه و آله در مقابل صحبت تند او پاسخ مثبتی بدهند و از این بابت بود که متعجب و گمان خیر نمي کرد.

قاضي عياض از علمای اهل تسنن پیرامون مجروح شدن رسول خدا در جنگ احد و صبر بی حد و حصر آن حضرت گزارشی را چنین بیان کرده است:

و روي أن النبي صلى الله عليه وسلم لما كسرت رباعيته وشج وجهه يوم أحد شق ذلك على أصحابه شديداً ، وقالو : لو دعوت عليهم فقال : إني لم أبعث لعاناً ، ولكني بعثت داعياً ورحمة . اللهم اهد قومي فإنهم لا يعلمون .

**القاضي عياض، ابوالفضل عياض بن موسي بن عياض اليحصبي السبتي (متوفای ۵۴۴هـ)، کتاب الشفا،**

**ج ۱، ص ۸۷، طبق برنامه الجامع الكبير.**

روایت شده است هنگامی که در جنگ احد پیشانی پیامبر شکست و سر آن حضرت شکاف برداشت، این مساله بر صحابه ایشان گران تمام شد، آنان به پیامبر عرض کردند: نفرینشان کنیم؟ رسول خدا فرمود: من لعن کننده مبعوث نشدم، برای دعوت و رحمت مبعوث شده ام، خدایا قوم مرا هدایت کن که نمی دانند.

در این متن نیز رسول خدا صلی الله علیه در اوج گرفتاری و زخمی بودن، هنگامی که از ایشان می خواهند تا نسبت به گروه طرف مقابل نفرین کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار منع کردند و این چنین صبر عملی خود را به اطرافیان نشان دادند.

مرحوم شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه نیز گزارش جالبی را پیرامون صبر رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بیان کرده است:

لَمَّا دَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ حَيْبَرَ قَالَ لِلنَّاسِ قِفُوا فَوَقَفَ النَّاسُ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ  
اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظْلَلَنَ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقْلَلَنَ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّلَنَ أَشْأَلُكَ خَيْرَ  
هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا ثُمَّ نَزَلَ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِي الْمَكَانِ فَأَقَامَ وَ أَقَمْنَا بَقِيَّةَ  
يَوْمِنَا وَ مِنْ غَدِهِ . فَلَمَّا كَانَ نِصْفُ النَّهَارِ نَادَانَا مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْتَمَعْنَا إِلَيْهِ فَإِذَا عِنْدَهُ رَجُلٌ  
جَالِسٌ فَقَالَ إِنَّ هَذَا جَاعِنِي وَ أَنَا نَائِمٌ فَسَلَّ سَيْفِي وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ يَمْنَعُكَ مِنِّي الْيَوْمَ قُلْتُ اللَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْكَ

فَشَامَ السَّيْفَ وَ هُوَ جَالِسٌ كَمَا تَرُونَ لَا حَرَكَ بِه فَعَلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ لَعَلَّ فِي عَقْلِهِ شَيْئاً فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ نَعَمْ دَعُوهُ  
ثُمَّ صَرَفَهُ وَ لَمْ يُعَاقِبْهُ.

الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، (المتوفي ٤١٣ ق)، الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد،

ج ١، ص ١٢٥، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر

والتوزيع - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤١٤ - ١٩٩٣ م.

راوي مي گوید: هنگامی که رسول خدا صلي الله عليه و آله نزدیک خیبر شد، به مردم فرمودند: بایستید، مردمان ایستادند سپس دست های خویش را سمت آسمان بلند کرده و فرمودند: خدایا، ای پروردگار هفت آسمان و آنچه بر آن سایه افکنده و ای پروردگار هفت زمین و آنچه بر خود گرفته و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه کرده اند، از تو خیر و نیکوئی این روستا و آنچه در آن است درخواست می کنم، و از شر و بدی آن به تو پناه می برم، سپس زیر درختی همان جا فرود آمد و آنجا منزل کرد و ما نیز آن روز و فردا را تا نیمه آن بودیم، چون نیمه روز شد، منادی رسول خدا صلي الله عليه و آله فریاد زد (و مردمان را به سمت ایشان فرا خواند) گرد آن حضرت جمع شدیم، دیدیم مردی نزدش نشست، رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود: من در خواب بودم که این مرد آمد و شمشیر مرا از غلاف کشید و به من گفت: ای محمد کیست که امروز تو را از من نگهدارد؟ گفتم: خدا مرا از دست تو نگهداری می کند، (این را که گفتم) شمشیر را در غلاف کرده و چنانچه می بینید، نشست و هیچ کاری نکرد، ما عرض کردیم: ای رسول خدا شاید در عقل و خرد او چیزی باشد (و از نظر عقل ناقص باشد)؟ رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود: آری او را واگذارید سپس او را رها ساخته و دنبالش نکرد. در این گزارش نیز رسول خدا صلي الله عليه و آله ضمن خودداری از ایجاد هرگونه درگیری و ایجاد بگومگو با فردی که ظاهراً مشکل عقلي داشته است، با او طبق اخلاق صحیح اسلامي برخورد کرده و آن فرد نیز به رسول خدا صلي الله عليه و آله هیچ آسیبی نرساند.

تواضع و برخورد مناسب و عدم خودبرتري نسبت به ديگران از نکات مهم اخلاقي است که بايد بدان توجه داشته و کسي که در مقابل ديگران خود را برتر مي داند، وارد معرکه خود برتر بيني شده و در معرض سقوط قرار گرفته است.

سيره رفتاري رسول خدا صلي الله عليه و آله نیز تواضع بوده است چنان چه در شرح حال ايشان آمده است:  
وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْأَكْلِ مُتَكَبِّئًا وَ كَانَ إِذَا أَكَلَ اسْتَوْفَرَ عَلَى إِحْدَى رِجْلَيْهِ وَ اِطْمَأَنَّ بِالْآخِرَى وَ يَقُولُ أَجْلِسْ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ وَ أَكُلْ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ.

المغربي، القاضي النعمان (متوفاي ۳۶۳هـ)، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۸، تحقيق: آصف بن علي أصغر

فيضي، ناشر: دار المعارف - القاهرة، سال چاپ: ۱۳۸۳ - ۱۹۶۳ م.

رسول خدا صلي الله عليه و آله خوردن در حال تكيه دادن [که اخلاق متکبران] مي باشد را نهي کردند و روي یک پا مي نشست و بر پاي ديگر خود تكيه مي کرد و مي فرمود: مانند بندگان بنشين و مانند آن ها بخور [و مانند متکبران نباش].

همچنين پيرامون نشستن ايشان آمده است:

وَ مَا أَخْرَجَ رُكْبَتَيْهِ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ مَا قَعَدَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَ رَجُلٌ قَطُّ فَقَامَ حَتَّى يَقُومَ.

طبرسي، حسن بن فضل (متوفای قرن ۶ق)، مكارم الأخلاق، ص ۱۷، ناشر: الشريف الرضي، قم، ۱۴۱۲ ق /

۱۳۷۰ ش.

هيچ وقت از حالت دو پا نزد کسي که نشسته بود، خارج نشد و هيچ کسي نزد ايشان نشست مگر اينکه او بر مي خواست و سپس رسول خدا صلي الله عليه و آله بلند مي شد.

در اين روايت دو نکته مهم وجود دارد:

۱. رسول خدا نزد ديگران دو زانو مي نشستند؛

۲. هنگامی که کسی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشست، پیامبر هیچ وقت در بلند شدن و برخاستن پیش قدم نمی شدند.

ثقفی همچنین در الغارات در احوال رسول خدا صلی الله علیه و آله می نویسد:

وَ هُوَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا وَ أَجْرًا النَّاسِ صَدْرًا وَ أَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَ أَوْفَى النَّاسِ ذِمَّةً وَ أَلْيَنَهُمْ عَرِيكَةً وَ أَكْرَمَهُمْ عَشْرَةَ.

ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (متوفای ۲۸۳ ق)، الغارات، ج ۱، ص ۹۸، محقق / مصحح:

حسینی، عبدلزهراء، ناشر: دار الكتاب الإسلامي، قم، نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.

ایشان آخرین پیامبران، بخشنده ترین مردم و صبور ترین مردم بود و در گفتار راستگوترین افراد و وفاترین افراد در پرداخت بدهی ها و خلق و خوی ایشان بهتر از همه بود و از بهتر زندگی می کرد.

### دست دادن

دست دادن و برخورد با دیگران نیز مقوله مهمی بوده و بسیاری از افرادی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند، از ابتدایی ترین آداب معاشرت اجتماعی نیز خبر نداشته و رعایت نمی کنند.

امام صادق سلام الله علیه پیرامون دست دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَجُلًا قَطُّ فَتَنَزَعَ يَدَهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ.

الکلبینی الرازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (المتوفی ۳۲۹ ق)، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۲، صححه وعلق

علیه علی أكبر الغفاری، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸ هـ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با هیچ کسی مصافحه نمی کرد مگر اینکه آن طرف دستش را می کشید و ایشان در این امر پیش قدم نمی شد.

## زهد پیامبر

زهد و تعلق نداشتن به دنیا امری مورد تأیید دین اسلام بوده و نداشتن وابستگی به دنیا یکی از ویژگی‌های خوب یک فرد مؤمن است.

البته نباید فراموش کرد آنچه که باید مد نظر داشت، تعلق به دنیا است اما کسب درآمد از راه حلال نزد اسلام مذموم نیست فقط نداشتن تعلق به مال دنیا مهم است.

غزالی از نویسندگان صوفی سنی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است:

إخواني من أولي العزم من الرسل قد صبروا على ما هو أشد من هذا فمضوا على حالهم وقدموا على ربهم فأكرم مأبهم وأجزل ثوابهم فأجدني أستحيي إن ترفهت في معيشتي أن يقصر بي دونهم فأصبر أياما يسيرة أحب إلي من أن ينقص حظي غدا في الآخرة وما من شيء أحب إلي من اللحوق بإخواني وأخلائي.

الغزالي، محمد بن محمد ابوحامد (المتوفى ٥٠٥هـ، إحياء علوم الدين، ج ٣، ص ٣٥٧، ناشر: دار

المعرفة - بيروت.

برادران اولی العزم من که از پیامبران بودند، بر بدترین از این [مصائب] صبر کردند و بر این حال از دنیا رفتند و به نزد پروردگار خود مشرف شدند و خداوند آنان را جایگاهی نیکو عنایت کرد و ثواب زیادی به آنان داد سپس مرا دید که اگر نسبت به رفاه در زندگی غیر از آنان می باشم، خجالت می کشم، روزهای کمی را صبر کردم که برایم از کمی بهره در آخرت بهتر است [صبر بر دنیا را بر صبر آخرت ترجیح دادم] و هیچ چیزی برایم محبوب از رسیدنم به برادران و اجدادم باشد، نیست.

امام صادق سلام الله علیه نیز پیرامون این صفت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرَ فِي جِسْمِهِ وَوَسَادَةَ لَيْفٍ قَدْ أَثَرَتْ فِي خَدِّهِ فَجَعَلَ يَمْسُخُ وَيَقُولُ مَا رَضِيَ بِهِدَا كِسْرَى وَ لَا قَيْصَرُ إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَرِيرِ وَ الدَّبَّاجِ وَ أَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ اللَّهُ لَأَنَا

أَكْرَمُ مِنْهُمَا وَ اللَّهُ مَا أَنَا وَ الدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَ لَهَا فَيْءٌ فَاسْتَوَّلَ تَحْتَهَا فَلَمَّا أَن مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا اِرْتَحَلَ فَذَهَبَ وَ تَرَكَهَا.

کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (متوفای قرن ۳ ق)، الزهد، ص ۵۰، محقق / مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا، ناشر: المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۲ ق.

عبد الله بن سنان می گوید از امام صادق شنیدم که فرمود: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که ایشان بر روی حصیری که اثرش بر جسم ایشان بود [نشسته] و بالشتی که از لیف خرما بود و اثر آن باقی مانده بود [تکیه کرده بود] در حالی که این حصیرها را لمس می کرد، عرض کرد: کسری و قیصر به این حصیرها رضایت نمی دهند، آنان بر حریر و ابریشم می خوابیدند و تو بر روی این حصیر. پیامبر به آن مرد فرمود: من بهتر از آن دو هستم، به خدا قسم که من با کرامت تر از آنان هستم، به خدا قسم من را چه به دنیا؟ شباهت دنیا، مانند مرد سواره ای است که بر سایه درختی می گذرد و زیر آن سایه قرار می گیرد، هنگامی که آن سایه رفت، آن فرد حرکت کرده و درخت را ترک می کند.

در روایتی دیگر که حاکی از زهد و عدم دلباختگی رسول خدا به دنیا می باشد، از قول امیرالمؤمنین سلام الله علیه آمده است:

مَا شَبِعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ حُبِّ بُرِّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ.

الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (المتوفی ۳۸۱ ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۴، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.

رسول خدا صلی الله علیه و آله تا زمانی که از دنیا رفت سه روز پی در پی از نان گندم خالص سیر نخورد.

### خوف پیامبر

خدا ترسی و قدم برداشتن در مسیر الهی نیز از جمله ویژگی های رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.



در روایتی امام صادق سلام الله علیه فرمودند:

مَا كَانَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ أَنْ يُظَلَّ خَائِفًا جَائِعًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

الکلبینی الرازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (المتوفى ۳۲۹ ق)، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۳، صححه وعلق

علیه علی أكبر الغفاری، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸هـ.

نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی محبوب تر از آن نبود که روز را سپری کند در حالی که از خدا

ترسان و در راه خدا گرسنه باشد.

### حیاء پیامبر

حیاء که نیمه ی ایمان آدمی می باشد، مساله ای مهم و قابل اعتنا است. فرد مؤمن باید نهایت حد و حدود و

حیاء را رعایت و دیگران را نیز نسبت به این ویژگی مهمی که هم جنبه فردی داشته و هم جنبه اجتماعی دارد،

تشویق کند.

در روایتی انس پیرامون جایگاه حیاء، از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله می نویسد:

أَنْتُمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْخِيَاءُ وَ الْإِيمَانُ كُلُّهُ فِي قَرْنٍ وَاحِدٍ فَإِذَا سُلِبَ أَحَدُهُمَا اتَّبَعَهُ

الْآخَرُ.

الصدوق، محمد بن علی بن الحسین، (المتوفى ۳۸۱ ق)، معانی الأخبار، ص ۴۱۰، تصحیح و تعلیق : علی

أكبر الغفاری، ناشر : مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، سال چاپ :

۱۳۷۹هـ - ۱۳۳۸ ش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: حیاء و ایمان هر دو در کنار یکدیگر هستند، هر گاه یکی از آن دو از

بین برود، دیگری نیز از بین می رود.

در گزارشی ابی سعید خدری که از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است، چنان نقل می کند:

وَ عَنَّهُ (ابو سعید الخدری) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشَدَّ حَيَاءً مِنَ الْعُذْرَاءِ فِي خُدْرِهَا وَ كَانَ إِذَا كَرِهَ شَيْئاً عَرَفْنَاهُ فِي وَجْهِهِ.

طبرسی، حسن بن فضل (متوفای قرن ۶ق)، مکارم الأخلاق، ص ۱۷، ناشر: الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنان باکره درون خانه، با حیاط بود و اگر ایشان از چیزی خوشش نمی آمد، ما از چهره ایشان می فهمیدیم.

### استغفار

طلب بخشش از خداوند متعال و ورود در وادی رحمت الهی، آرزوی هر بشری بوده و مختص به افراد گناهکار نیست. رسول خدا و ائمه علیهم السلام که معصوم بوده اند، از استغفار خود یکی از سه هدف را داشته اند: ۱. آموزش به امت خود؛ ۲. استغفار برای امت و پیروان خود؛ ۳. طلب بخشش از انجام امور مباح مانند خوردن و خوابیدن و... .

در روایتی امام صادق سلام الله علیه پیرامون طلب استغفار رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرمودند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ لَا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ وَ إِنْ خَفَّ حَتَّى يَسْتَغْفِرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَمْساً وَ عَشْرِينَ مَرَّةً.

الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (المتوفی ۳۲۹ ق)، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۴، صححه وعلق

علیه علی اکبر الغفاری، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸ هـ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه از مجلسی بر نمیخواست گرچه کوتاه بود تا اینکه بیست و پنج بار از خداوند طلب بخشش می کرد.

از آنجائی که تمامی اعمال و رفتار رسول خدا مورد توجه اطرافیان و صحابه بوده است، پیامبر اکرم بسیاری از کار های مهم را عملی انجام می دادند تا مورد توجه همگان قرار بگیرد.

## شجاعت پیامبر

از ویژگی های شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله شجاعت آن حضرت بوده است که علی رغم فرار بسیاری از صحابه از معرکه جنگ، ایشان فرار نمی کردند و چه خون دلهایی به دل پیامبر کردند مخصوصاً کسانی همچون خلفا که در جنگ احد فراری شدند.

وجود مقدس امیرالمؤمنین سلام الله علیه که ایشان نیز الگویی شجاعت بوده اند، پیرامون شجاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَقَدْ رَأَيْتُنِي يَوْمَ بَدْرٍ وَ نَحْنُ نَلُودُ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ أَقْرَبُنَا إِلَى الْعَدُوِّ وَ كَانَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ يُؤَمِّدُ بِأَسَاءٍ.

طبرسی، حسن بن فضل (متوفای قرن ۶ق)، مکارم الأخلاق، ص ۱۸، ناشر: الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

روز جنگ بدر که ما از اطرافیان پیامبر بودیدم و ایشان نزدیک ترین ما به دشمن بود، دیدم که ایشان از سخت ترین مردم در آن روز [در میدان جنگ] بود.

## نتیجه:

حلم، تواضع، زهد، خوف، حياء و سایر آداب اجتماعی که در این نوشته مورد بررسی قرار گرفت، تماماً سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است و لازم است فرد مسلمان این موارد را سرلوحه کار خود قرار دهد.

موفق باشید

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف